

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان:
The Etruscan civilization: The origin of the geometric
regulation in ancient Roman Gardens
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

تمدن اتروسک؛ منشأ پیدایش «انتظام هندسی» در باغ‌سازی روم باستان

مرتضی همتی*، فرشاد بهرامی^۲، حشمت‌الله متدین^۳

۱. پژوهشگر دکتری معماری منظر، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.
۲. کارشناس ارشد معماری منظر، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.
۳. دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۰۶ تاریخ اصلاح: ۹۸/۰۳/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۴/۱۶ تاریخ انتشار: ۹۸/۰۷/۰۱

چکیده

بیان مسئله: شیوه باغ‌سازی رومی، یکی از مهم‌ترین محصولات فرهنگی امپراتوری روم باستان است. اگرچه بسیاری از وجوه فرهنگی روم دنباله‌رو تمدن یونان است، ولی باغ‌سازی رومی از ویژگی‌های ساختاری باغ‌سازی یونان تبعیت نمی‌کند و به نظر می‌رسد پیرو اندیشه‌های دیگری است. این شیوه برخلاف باغ‌سازی یونانی که فاقد سازماندهی منظم هندسی است، از انتظامی محوری و راست‌گوشه پیروی می‌کند. صاحب‌نظران تاکنون دیدگاه‌های متعددی برای توجیه پیدایش این شکل از انتظام در باغ‌سازی روم عنوان کرده‌اند، با این حال همچنان ابهامات فراوانی در این فرضیه‌ها وجود دارد. علاوه بر این، اتروسک‌ها که پیش از شکل‌گیری امپراتوری روم، در منطقه توسکانی ایتالیا سکنی داشتند، بر بسیاری از دستاوردهای فرهنگی تمدن روم و پس از آن اثرگذار بوده‌اند؛ همچنین «اهمیت قدسی انتظام» در باورها و اندیشه این قوم که در شیوه ساخت شهرها، معابد و سایر بناهای به‌جامانده از ایشان مشهود است، شاید بتواند به عنوان ریشه پیدایش انتظام در باغ‌سازی رومی قابل بررسی باشد. **هدف:** این پژوهش در پی آن است تا با تحلیل و نقد آرای موجود و ارائه شواهد نو و با بیانی جدید، به توضیح «ریشه انتظام» در شیوه باغ‌سازی رومی بپردازد.

روش تحقیق: پژوهش حاضر با روشی تفسیری-تاریخی با تحلیل و طبقه‌بندی داده‌های موجود مبتنی بر باستان‌شناسی در تلاش است به تفسیر جدیدی از موضوع دست‌یابد. همچنین در بخش‌هایی جزئی نیز از روش تحلیل محتوا برای تفسیر و نقد برخی از اسناد مکتوب بهره می‌برد. **نتیجه‌گیری:** این جستار با تردید در ادبیات موجود، ریشه‌های اتروسک را به عنوان امکانی جدید در توضیح پیدایش انتظام هندسی باغ‌سازی رومی معرفی می‌کند.

واژگان کلیدی: باغ‌سازی رومی، تمدن اتروسک، باغ‌سازی یونانی، انتظام هندسی.

مقدمه

در قرن اول و دوم میلادی به یکی از بزرگ‌ترین امپراتوری‌های باستان تبدیل شد. اگرچه روم بر یونان سیطره پیدا کرد، اما تمدن یونان بر بسیاری از جنبه‌های فرهنگی تمدن روم اثر گذاشت، چنانکه برخی بیان می‌کنند رومیان پس از تسلط بر یونان، چنان شیفته فلسفه، ادبیات، هنر و دیگر محصولات

تمدن روم باستان از قرن هشتم قبل از میلاد در شبه جزیره ایتالیا شکل گرفت و در کنار دریای مدیترانه و به مرکزیت شهر رم چنان گسترش پیدا کرد که

* نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۰۷۰۴۳۲۹@ut.ac.ir

درباره باغ‌سازی یونانی انجام داده و بیان کرده‌اند که باغ‌سازی رومی امتدادی از باغ‌سازی یونان است، ولی استدلال آنان براساس شباهت تزئینات شکلی باغ‌ها است (Thompson & Griswold, 1986, 14-36). اگرچه کارول اشپیلکه به تفاوت بنیادین در باغ‌سازی یونانی و رومی در شکل ارتباط با طبیعت — در شهر و دانه‌های معماری — اشاره کرده، ولی منشأ و ریشه مشخصی برای بروز این تمایز نیآورده است (Carroll-Spillecke, 1992). برگمن نیز در فصلی از کتاب «یونان در روم» تحت عنوان «شاهکارهای یونانی و بازنمایی رومی»، بنیاد باغ‌های رومی را متأثر از باغ‌های یونانی می‌داند، اگرچه تأثیرپذیری ویلاهای رومی از دیگر ملت‌ها — چون مصر — را نیز ممکن دانسته است (Bergmann, 1995). کین و کاتر نیز در پژوهش‌های مشابهی که بر نقاشی‌های دیواری ویلاهای رومی تمرکز دارد، علی‌رغم بیان اینکه سبک باغ‌سازی رومی در امتداد باغ‌های یونانی است، اشاره‌ای به تفاوت بنیادی انتظام در این باغ‌ها نکرده‌اند (Kane, 1998, 6; Kuttner, 1999). همچنین برخی از اندیشمندان چون ترنر بیان کردند تمدن روم پس از تصرف یونان چنان شیفته آن شد که به یک‌باره تمامی مؤلفه‌های فرهنگی گذشته‌اش را فراموش کرد و بدل به نمونه‌ای یونانی شد. ترنر ریشه پیدایش انتظام را در کشورگشایی‌های رومی‌ها استنباط کرده است (ترنر، ۱۳۹۵، ۱۱۴). مکالی لویس نیز در پژوهشی به بررسی شیوه‌های مشابه کاشت گلدانی رایج در باغ‌سازی یونان و روم پرداخته، ولی به تمایز آشکار میان انتظام کاشت این گلدان‌ها اشاره‌ای نکرده است (Macaulay Lewis, 2006). بووی نیز اگرچه در بررسی باغ‌های یونانی به تقلید صرف رومیان رأی داده است، ولی به منشأ پیدایش انتظام راست‌گوشه در باغ‌سازی روم اشاره‌ای ندارد (Bowe, 2004, 59; 2010). همچنین جونز در تفسیر خود از باغ‌های رومی، باغ‌سازی روم را از تزئینات تا کلیت باغ تحت تأثیر یونان دانسته، ولی به ساماندهی اجزای باغ توجهی نکرده است (Jones, 2014). با توجه به آنکه به نظر می‌رسد در عموم پژوهش‌های صورت‌گرفته در این حوزه، به طور مدون و جامع، ریشه‌های تمایز انتظام در باغ‌سازی یونان روم مورد بررسی قرار نگرفته، این جستار در پی کشف و بررسی بنیان‌های احتمالی این پدیده است.

باغ‌سازی رومی

امروزه آنچه از باغ‌سازی روم آورده می‌شود، تفسیری از اسناد باستان‌شناسی — بقایای ویلاها، باغ‌های سلطنتی و غیره — و همچنین نقاشی‌های دیواری است که درون بناهای داخل این باغ‌ها ترسیم شده‌اند. بر این اساس باغ‌سازی روم، شیوه‌ای از طرح کاشت و باغ‌آرایی است که در دوره روم باستان گسترش

فرهنگی یونانیان شدند که به یک‌باره تمامی اجزا و مؤلفه‌های فرهنگی آن را پذیرفتند. با این حال و علی‌رغم اثرپذیری گسترده رومیان از جنبه‌های گوناگون فرهنگی تمدن یونان، تمایز آشکاری در ساختار نظم‌بخشی میان باغ‌سازی روم و یونان وجود دارد. باغ‌سازی روم برخلاف نمونه باغ‌های یونانی — دوره‌های کلاسیک — که فاقد انتظام هندسی آشکاری است، دارای نظمی محوری و راست‌گوشه است که همراه با نقطه عطفی درونی و هرس منتظم گیاهان شناخته می‌شود. این شدت از تمایز، صاحب‌نظران باغ‌سازی را با چالشی بنیادین برای یافتن سرچشمه فرهنگی این انتظام مواجه می‌سازد و تاکنون پاسخ‌های متعددی از سوی آنها در تفسیر پرسش فوق داده شده است. این نوشتار با هدف پاسخ به این پرسش که «چرا رومیان علی‌رغم تأثیرپذیری عمیق از فرهنگ یونان باستان، در باغ‌سازی به نحوه دیگری عمل کرده‌اند؟»، ابتدا به معرفی ویژگی‌های شیوه باغ‌سازی روم و یونان — به عنوان پایه فرضیه موجود — می‌پردازد و به صورت کوتاه نیز فرضیه‌های موجود درباره باغ‌سازی اتروسکی را شرح می‌دهد. پس از آن، فرضیه‌های موجود و فرضیه این پژوهش را در توضیح به‌وجود آمدن انتظام در این باغ‌سازی به بحث می‌گذارد و از تحلیل‌های به‌دست آمده نتیجه‌گیری می‌کند.

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر، تفسیری-تاریخی است. تفاسیر در این تحقیق بر مبنای تفسیر علی از موضوع تاریخی است و سعی دارد با بررسی الگوهای باستان‌شناسانه به چرایی رویدادهایی تاریخی بپردازد. این روش با طبقه‌بندی ویژگی‌های اسناد تاریخی در بستر فرهنگی مشابه، سعی در کشف الگویی فراگیر دارد، اگرچه تنها با ارزیابی کالبدی ابنیه موجود که بسیاری از عناصر آن دچار زوال یا تحول شده، نمی‌توان به ارزیابی صحیح رسید؛ بنابراین تلاش شده است از داده‌های باستان‌شناسی، اسناد کتابخانه‌ای، شواهد اسطوره‌شناسی، زبان‌شناسی و دیگر علوم استفاده شود.

پیشینه تحقیق

تاکنون پژوهش‌های متعددی، از زاویه‌های متفاوت به چستی باغ‌های رومی پرداخته‌اند. بررسی اغلب این پژوهش‌ها نشان می‌دهد عموم صاحب‌نظران بر این باورند که باغ‌سازی رومی ادامه باغ‌سازی یونانی است. لیتلوود از نخستین پژوهشگرانی است که به طور نظام‌یافته به مبحث باغ‌های رومی پرداخته است. وی در مقالاتی که عموماً بر ادبیات، فرهنگ و باغ‌سازی بیزانسی تمرکز دارد، چندین بار بر این موضوع تأکید داشته که باغ‌سازی روم باستان منتج از باغ‌سازی یونانی است، ولی به تفاوت انتظام این دو اشاره‌ای نکرده است (Littlewood, 1979; 1992a; 1992b; 2002). تامسون و گریزولد پژوهش خود را همراه با بررسی‌های باستان‌شناسانه

باغ‌های یونان

شیوه باغ‌سازی یونان باستان را می‌توان در سه دوره کهن (قرن هشتم تا ششم پیش از میلاد)، کلاسیک (قرن ششم تا چهارم پیش از میلاد) و هلنیستی (قرن سوم تا یکم پیش از میلاد) بررسی کرد.^۱ اگرچه از دوره نخست تنها توصیفات در متون ادبی شاعرانی چون هومر و ایبیکس (Ibycus) باقی مانده است، ولی می‌توان از این توصیفات حدس زد باغ‌هایی به صورت پراکنده در اطراف شهر وجود داشته که دارای سه بخش تاکستان، درختستان مثمر و باغچه‌هایی برای کاشت گل‌ها و سبزیجات بوده است (ترنر، ۱۳۹۵، ۹۶-۱۰۱؛ از Venturi Ferriolo, 2012; Carroll-Spillecke, 1992).



تصویر ۱ و ۲. ویلا هادریان در تیولی، یکی از نمونه‌های شاخص از منظره‌پردازی روم باستان، که با انتظامی محوری و تقارن نسبی تشخیص یافته است. مأخذ: www.tegelaar.com

یافت و بر باغ‌سازی دوران بعدی اروپا اثر گذاشت. این شیوه باغ‌سازی که در ویلاها و قصرهای سلطنتی عموماً برای نمایش قدرت رومیان مرسوم شد، دارای ویژگی‌های شکلی متمایزی نسبت به دیگر شیوه‌های باغ‌سازی است. ویژگی‌های این شیوه را می‌توان در گونه‌های سکونتی متعددی دسته‌بندی کرد. از گونه‌های اصلی می‌توان به باغ‌های سلطنتی، باغچه‌خانه‌های شهری مانند داموس^۱ و ویلاهای درون‌شهری و برون‌شهری اشاره کرد. برخی از این ویلاها از جمله ویلاهای درون‌شهری — مانند نمونه‌های ساخته‌شده در تپه پالاتین — و ویلاهای برون‌شهری — مانند نمونه‌های ساخته‌شده در خارج از شهر چون ویلا هادریان — با وسعت فراوان و فضا‌سازی‌های متعدد طراحی شده‌اند. بعضی از آنها نیز مانند داموس‌ها و ویلاهای درون‌شهری به دلیل فشردگی شهرها عموماً در مقیاسی کوچک‌تر و با فضاهای محدودتر ساخته شده‌اند (ترنر، ۱۳۹۵، ۱۱۵-۱۳۰). هر دو این نمونه‌ها دارای اصول و روش‌های مشابهی هستند که موجب می‌شود آنها را در یک دسته‌بندی کلی تر به نام باغ‌سازی رومی قرار داد. در این باغ‌ها گیاهان بر پی‌رنگی هندسی و با محورهایی مستقیم‌الخط کاشته می‌شوند که در نمونه‌های وسیع با ایجاد پرسپکتیوی تک‌نقطه‌ای بر بنای اصلی تأکید دارند (Carroll-Spillecke, 1992; Mac Dougall, 1999, 22-25). در این نمونه‌ها چشم‌انداز گاه توسط ردیف درختان کاشته‌شده و گاه با بهره‌بردن از ردیف ستون‌ها — به صورت رواق یا منفرد — ایجاد می‌شود. همچنین این باغ‌ها عموماً توسط فضاهایی راست‌گوشه، دیوار یا ردیف ستون، محصور و از فضای بیرونی متمایز شده‌اند. به علاوه در این باغ‌ها اشکال مختلف آب در محور اصلی باغ بروزهای شکلی متنوعی دارد (Conan, 1986). در این شیوه، درختان باغ نیز به اشکال هندسی منظم هرس می‌شدند که این عمل بعدتر با عنوان هنر توپواری^۲ در شیوه‌های باغ‌سازی اروپایی تداوم یافت. از دیگر مشخصه‌های این باغ‌ها تزئین فضای باغ با مجسمه‌ها و بعضاً نقاشی‌های دیواری از شخصیت‌های اساطیری است که در محورهای باغ یا بر روی ابنیه قرار دارند. همچنین در باغچه‌خانه‌های شهری نیز دو منظره اصلی وجود دارد؛ اولی فضایی نیمه‌باز و مرکز‌گرا با حوض آبی در وسط و روزن سقفی که «آتریوم» نامیده می‌شود، و دوم حیاطی که در انتها قرار می‌گیرد. این فضا در مواردی که برای استفاده از فواید خوراکی و دارویی گیاهان استفاده شود، «هورتوس» و در مواردی که تکیه بر جنبه‌های زیباشناسانه و باغ‌آرایی داشته باشد، «پریستیل» یا «پریستیلیوم» نامیده می‌شود (Jashemski, 2017, 122). اگرچه باغ‌های فوق در مقیاس‌های متنوعی ساخته شده‌اند، ولی وجود پلان‌هایی منظم که گاه همراه با تقارن نسبی نیز همراه است، از دلایل بنیادین ادراک وحدت سبکی میان این باغ‌ها و تمایز آن از باغ‌های دیگر است (تصویر ۱ و ۲).

مدون تبدیل نشده بود و تا پیش از دوره هلنیستی که تحت تأثیر فرهنگ‌های دیگر قرار گرفت، به طور نظام‌یافته دارای هندسه راست‌گوشه نشد.

فرضیه‌های موجود در توضیح منشأ پیدایش انتظام در باغ‌سازی روم

چنانکه گفته شد، یکی از تمایزهای اساسی باغ‌سازی رومی با باغ‌سازی‌های مشابه خود، وجود انتظام راست‌گوشه و مستقیم‌الخط در طرح آن است. فهم منشأ پیدایش انتظام در این شیوه باغ‌سازی مستلزم شناخت ریشه‌ها و خاستگاه‌های آن در باغ‌سازی‌های پیش از آن است. تاکنون اظهارنظرهای فراوانی در ارتباط با خاستگاه شیوه باغ‌سازی رومی صورت گرفته است. تامسون و گریزولد نیز با بررسی باستان‌شناسانه باغ‌های یونانی، در بخش مقدمه پژوهش خود باغ‌سازی روم را به طور بدیهی انشعابی از این باغ‌سازی معرفی کرده‌اند (Thompson & Griswold, 1986, 14-36). همچنین کونان با اشاره به وجود نمونه‌های پرستیلیوم در خانه‌های یونانی، باغ‌سازی یونان هلنیستی را مولد باغ‌سازی روم می‌داند (Conan, 1986). علاوه بر آن کین نیز در بررسی نقاشی‌های دیواری پمپئی، به عنوان یکی از اصلی‌ترین منابع شناخت باغ‌سازی روم، اعلام کرده که فضا‌سازی‌های این باغ‌سازی با تأثیر از باغ‌سازی یونان شکل گرفته است (Kane, 1998, 6). در این منابع به طور غالب، یونان هلنیستی که خود تحت تأثیر برخورد فرهنگی با شرق بود، به عنوان واسطی در شیوع انتظام در باغ‌سازی رومی معرفی می‌شود. عموم صاحب‌نظرانی که این گفته را باور دارند، برای توجیه تمایز انتظام در این دو باغ‌سازی دلایل متعددی ذکر کرده‌اند. برخی ریشه این اختلاف را در تفاوت اقلیم این دو سرزمین، و بی‌نظمی در باغ‌سازی یونان را تحت تأثیر محدودیت‌های کاربردی دیده‌اند. این عده معتقدند ساختار باغ‌های یونانی مطابق شیوه شهرسازی این کشور است و در بستری که با کمبود اراضی مناسب و قابل کشت مواجه بوده، شکل گرفته است. طبیعت صخره‌ای برخی از مناطق حفر زمین و رسیدن به خاک مناسب را تا حدی ناممکن ساخته بود که بعضاً برای کاشت گیاهان درون زمین حفره‌ای به وجود می‌آوردند و از گلدان‌های بزرگی که با خاک پر می‌شد، برای کشت گیاه استفاده می‌کردند (Macaulay Lewis, 2006; Thompson & Griswold, 1986, 10). علاوه بر آن، شیب طبیعی شهرهایی که در فضاهایی کوهستانی ایجاد می‌شدند، فضای مسطح کافی برای باغ‌سازی منتظم را دشوار می‌کرد. در مقابل، رومیان که برای ساختن باغ‌هایشان با محدودیت قابل توجهی در دسترسی به زمین‌های حاصلخیز و مسطح مواجه نبودند، به محصولی متفاوت از باغ‌های یونانی دست یافتند (Huxley, 1978, 74). برخی صاحب‌نظران مانند ترنر بر این باورند که شکل‌گیری

دوره دوم یا کلاسیک، مستندات تاریخی و همچنین متون توصیفی بیشتری در دسترس است. یافته‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد شهرهای یونان باستان توسط دیوارهای ستبر محصور شده بودند و ساکنان در محدوده‌ای تعریف‌شده زندگی می‌کردند. همچنین با توجه به جغرافیای کوهستانی، غالب شهرها، مانند آتن، با طرح‌های نامنظم ساخته شده و حتی شهرهایی با پلان منظم‌تر چون ارینتوس و پیرائوس نیز به صورت فشرده ایجاد شده‌اند. به طور میانگین مساحت یک دانه سکونت در دوره کلاسیک ۲۵۰ مترمربع تخمین زده می‌شود که فضای چندانی برای ایجاد باغ در اختیار ساکنان قرار نمی‌داده است (Carroll-Spillecke, 1992; Bowe, 2010). در این خانه‌ها اگر فضای بازی هم ایجاد می‌شد، غالباً محل انجام امور روزمره چون آشپزی، شستشو و پرورش حیوانات بوده است. به همین منظور عموماً کف این فضا با سنگ یا موزاییک پوشیده شده بود، چنانکه کتیبه‌ای مربوط به قوانین دوره هلنیستی که احتمالاً در دوره کلاسیک نیز وجود دارد — کاشت گیاهان (احتمالاً درختان) را به دلیل آسیب‌رساندن ریشه‌های آنها به دیوار خانه‌ها ممنوع می‌کند. اگرچه در دانه‌های مسکونی فضای چندانی برای ایجاد باغ وجود نداشت، ولی در فضاهای شهری گیاهان — به صورت محدود و با مقیاس کوچک — حضور داشتند و با توجه به کوزه‌های سفالی به‌دست‌آمده، گمان می‌رود گیاهان به صورت گلدانی در این حیاط‌ها نگهداری می‌شدند (Thompson & Griswold, 1986, 14-36; Macaulay Lewis, 2006). با این حال فضای برون‌شهری وضع بسیار متفاوتی داشت. در کمربند سبز خارج از دیوار شهر، زمین‌های کشاورزی، ژیمناسیوم‌ها، مقابر و باغات خصوصی خارج از شهر که مانند دوره پیشین شامل تاکستان، درختستان مثمر و باغچه‌های سبزیجات بودند، وجود داشت (Carroll-Spillecke, 1992).

در دوره سوم یا دوره هلنیستی یونانیان استقلال شهرهایشان را از دست دادند و تحت سلطه مقدونیه قرار گرفتند. به نظر ترنر «در این دوره مقدونیه سه عامل مهم زمین، امنیت و ثروت در اختیار داشت» و به همین دلیل در این دوره با گشایش درهای فرهنگی بر یونان تحولی در باغ‌سازی یونان شکل گرفت، به طوری که گوئیتین شروع «هنر باغداری یونانی» را به این دوره نسبت می‌دهد (ترنر، ۱۳۹۵، ۱۱۲). در این دوره، باغ‌های شهری گسترش یافت و بر تعداد و کیفیت باغ‌های حومه شهرها نیز افزوده شد. شواهد نشان می‌دهد که در این زمان باغ‌هایی محصور با طرح کاشت مستقیم‌الخط نیز، که تا این دوره در باغ‌سازی یونان ناشناخته بودند، توسط پادشاهان دوره هلنی تحت تأثیر ارتباط فرهنگی با شرق به وجود آمدند (Bowe, 2010). در نهایت می‌توان گفت باغ‌سازی یونان در دوره کلاسیک و پیش از آن، به شیوه‌ای

پیشرفته بودند که از حدود سال ۸۰۰ پیش از میلاد تا میانه‌های سده اول پیش از میلاد در شبه جزیره ایتالیا سکونت داشتند. منشأ قومی و نقطه ورود آنها به ایتالیا هنوز به درستی مشخص نشده است (گاردنر، ۱۳۹۷، ۱۶۸؛ Vernesi et al., 2004, 694). قلمرو اتروسک‌ها از منطقه اتروپیا در شمال غربی ایتالیای امروزی، گسترش یافته بود، به طوری که از شمال به آن سوی کوه‌های آپنین و از جنوب به کامپانیا می‌رسید. همچنین رم به واسطه پادشاهان اتروسکی که بر آن فرمان می‌راندند تا مدت‌های مدیدی متأثر از فرهنگ اتروسک‌ها بود. این شاهان از ۵۰۹ پیش از میلاد تا تشکیل جمهوری روم بر رم فرمانروا بودند و با شکست از رومیان از قدرت بازماندند. از شهرهای اتروسکی اطلاعات کاملی در دست نیست و عموم شهرهای ایشان به دست رومیان ویران یا بر روی آنها شهرهای جدیدی ساخته شد (گاردنر، ۱۳۹۷، ۱۶۹؛ Torelli, 2001, 146; Dupuy, 1993, 89-90). با این حال نمونه‌های به‌دست‌آمده از بقایای شهرهای اتروسکی در سایت‌های تاریخی مارزابوتو (Marzabotto)، بانورجو (Bagnoregio)، سوانا (Sovana)، چروتوری (Cerveteri) و تارکوینیا (Tarquinia) بیانگر وجود شهرهایی با سازماندهی شبکه‌ای و محوری است (تصویر ۳ و ۴). مورد قابل توجه دیگر، آثاری از نقاشی‌های دیواری و نقش‌های برجسته رنگین در بخش‌های اندرونی مقابر است که در گورستان‌های تارکوینیا پیدا شده است. این نقاشی‌های دیواری، شباهت‌های فراوانی به نمونه‌های به‌دست‌آمده در دوره رومی‌ها دارد و حتی به لحاظ تکنیک نیز مطابقت فراوانی با یکدیگر



تصویر ۳. عکس هوایی بخشی از شهر اتروسکی مارزابوتو که از بقایای پی‌های ابنیه آن می‌توان به انتظام هندسی در اجزای شهر پی برد. این بخش جزئی از پلانی کلی‌تر است که در تصویر ۴ قابل تشخیص است. مأخذ: www.gettyimages.com.

انتظام جدید در باغ‌سازی روم در نتیجه سفرهای فرمانروایان رومی پس از کشورگشایی و مواجه‌شدن با سرزمین‌هایی چون مصر و ایران است که منجر به فراگیری شیوه باغ‌سازی منظم شده است. وی معتقد است به همین دلیل رومیان با دست‌کشیدن از شیوه گذشته به باغ‌سازی منظم روی آوردند (ترنر، ۱۳۹۵، ۱۱۴). یکی دیگر از فرضیه‌های موجود، علت را در تفاوت شکل نظام سیاسی — که ممکن است متأثر از بستر جغرافیایی باشد — در این دو کشور می‌بیند. برخلاف یونان که عموماً قدرت به صورت پراکنده بود، شهرها به صورت دولت‌شهر اداره می‌شدند و در تصمیم‌گیری نیز شوراها به صورت دموکراتیک تصمیمات را برقرار می‌کردند، قدرت در روم متمرکز بود و شهرها به صورت منفرد و پراکنده در تنازع قدرت بودند و در نتیجه احتیاجی به دفاع نداشتند. این موضوع امکان آن را فراهم می‌آورد که برخلاف شهرهای یونانی که برای دفاع، دیوارهای ستبری به دور خود کشیده بودند و به علت کمبود فضای شهری جایی برای باغ‌ها به صورت مفصل و جدی باقی نمی‌ماند، شهرهای روم فراخ‌تر بنا شوند و فضاهای عمومی شهر و فضاهای باز ابنیه نیز بیشتر مورد توجه قرار گیرد (ناردو، ۱۳۹۶، ۳۶-۴۵؛ Smith, 2006, 94-98). از طرفی دیگر، وجود قدرت متمرکز و امنیت نسبی، بستر مناسبی را برای ساخت ویلاهای برون‌شهری، که خود یکی از مهم‌ترین انواع باغ‌سازی به‌جامانده از روم باستان است، به وجود آورد. با این حال به نظر می‌رسد تمامی استدلال‌های ذکر شده دلایلی باشد برای آنکه چرا یونانی‌ها به باغ‌سازی منظم روی نی‌آوردند و در نهایت بسترهایی برای شکل‌گیری باغ‌سازی منظم در روم را بیان می‌کند. همچنین باغ‌سازی در این بستر به شیوه‌های دیگر نیز بروز یافت، چنانکه در دوره هلنیستی با ورود اندیشه‌های شرقی، به یک‌باره انتظام در این باغ‌ها رواج می‌یابد؛ بنابراین به دلیل عدم وجود ریشه‌های فلسفی عمیق و تداوم زمانی مستمر و همچنین ایجاد نمونه‌های مشابه مکرر، نمی‌توان تجربیات باغ‌سازی یونان را به عنوان یک سبک و شیوه معرفی کرد و باغ‌های یونان به صورت نمونه‌هایی پراکنده و بدون ویژگی‌های سبکی تفسیر می‌شوند.

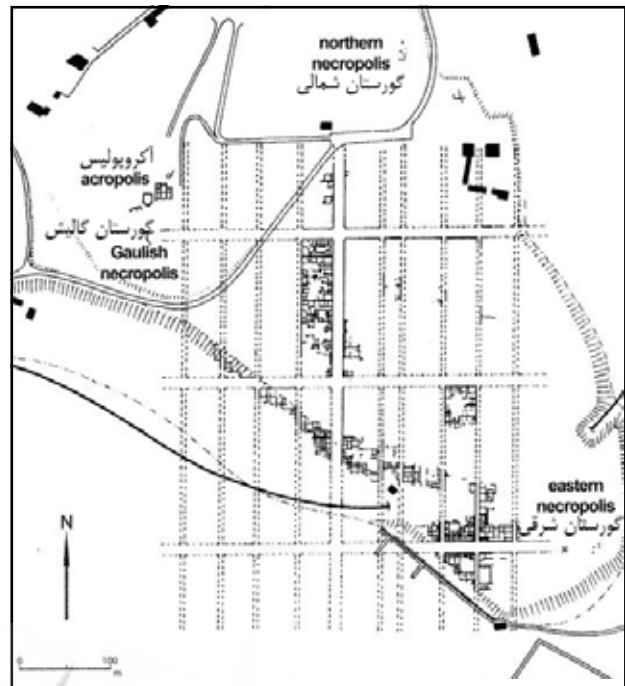
تمدن اتروسک به عنوان ریشه فرهنگی تمدن روم

در ریشه‌یابی انتظام باغ‌سازی روم، عموم نگرش‌ها بر آن تأکید دارند که این شیوه باغ‌سازی از خارج از محدوده کشور روم — یونان هلنیستی، مصر و ایران — به طرق مختلف وارد فرهنگ باغ‌سازی روم شده است. به نظر می‌رسد بررسی بستر تاریخی سرزمین ایتالیا که خود جایگاه بروز تمدن‌های دیگری بوده نیز بتواند در یافتن خاستگاه این شکل از باغ‌سازی به کمک پژوهشگران بیاید. یکی از پیشرفته‌ترین تمدن‌هایی که پیش از رومی‌ها بر برخی از بخش‌های امروز ایتالیا — مانند توسکانی، امبریا و ... — تسلط داشت، تمدن اتروسک است. اتروسک‌ها قومی با وجوه فرهنگی

تشکیل جمهوری روم ایجاد کردند» (Brown, 1995, 34). اضافه بر آن، برخی از پژوهشگران اثرگذاری شیوه اتروسکی را بر هنر ایتالیا تنها منحصر به دوران باستان نمی‌پندارند و معتقدند این تأثیر در دورهٔ رنسانس نیز بر برخی از نمونه‌های باغ‌سازی ایتالیا، به خصوص آنچه توسط خاندان مدیچی رواج یافت، مشهود است (Holmstorm, 2015; Bartoloni & Bocci Pacini, 2003, 451; Bule, 1996, 313). نمونه‌هایی از الهام‌بخشی اتروسک‌ها را ناردو بیان می‌کند: «اتروسک‌ها از بسیاری جهات بر رومیان تأثیر گذاشتند [...] رومیان همچنین بعضی از خدایان اتروسک‌ها را پذیرفتند. از جمله مهم‌ترین آنها ژوپیتر رب‌النوع آسمان، یونو، الههٔ حامی زنان، و مینروا، الههٔ حامی صنعتگران بودند» (ناردو، ۱۳۹۶، ۲۱). گاردنر نیز آورده است: «از جملهٔ این دستاوردهای تمدن اتروسک می‌توان به احداث جاده‌های سنگفرش، مجاری فاضلاب، پل‌های سنگی و غیره اشاره کرد» (گاردنر، ۱۳۹۷، ۱۶۸). همچنین ناردو بیان می‌کند: «رومیان از اتروسک‌ها سنگ‌تراشی و دیگر فنون ساخت‌وساز، از جمله طاق قوسی را، که سرانجام به شاخص و نماد معماری رومی بدل شد، آموختند» (ناردو، ۱۳۹۶، ۲۱). همچنین بل و کارپینو تفکر شبکه‌ای در شهرسازی رومی و سیستم آبرسانی آنان را تحت تأثیر تمدن اتروسک دانسته‌اند (Bell & Carpino, 2006, 93-94). جانسون و جانسون نیز آورده‌اند: «اتروسک‌ها استاد مسلم فنون مهندسی و طراحی شهری و نقشه‌برداری بوده‌اند و در این شکی نیست که رومیان بسیاری چیزها را از اتروسک‌ها آموختند. باید اشاره کرد که به احتمالات فراوان، اتروسک‌ها روش‌های پل‌سازی و احداث دژها و فاضلاب‌ها و آبروها را به رومیان آموخته باشند. ولی متأسفانه آثار زیادی از ایشان بر جای نمانده است» (Janson & Janson, 1962, 167-169). بنابراین به نظر می‌رسد تمدن اتروسک در فنون و روش‌های ساخت محداث تمدن پس از خود تأثیرات قابل توجه و ماندگاری گذاشته است، چنانکه بینی و همکارانش نیز در پژوهشی میان‌رشته‌ای در شهر پیزا در توسکانی ایتالیا، توانستند ثابت کنند الگوی رشد شهری در ساختمان‌های عمومی و خصوصی شهر پیزا بر الگوهای دوران اتروسکی آن مکان استوار است (Bini et al., 2015, 209) و همچنین به نظر می‌رسد در شهرهای مهم دیگر چون رم نیز این الگو برقرار است.

باغ‌سازی اتروسک

بر روی عموم شهرهای اتروسکی، شهرهای جدیدی ساخته شد و به این دلیل، بررسی مستقیم باغ‌سازی اتروسک دشوار است، ولی داده‌های باستان‌شناسی، اسطوره‌شناسی و زبان‌شناسی وجود دارد که می‌تواند به پژوهش در رابطه با این باغ‌ها کمک کند. نخست ویلایی در مورلو (Murlo) مربوط به قرن ۶ یا ۷ پیش از میلاد که حیاطی وسیع با فرمی ابتدایی از پرستیلی



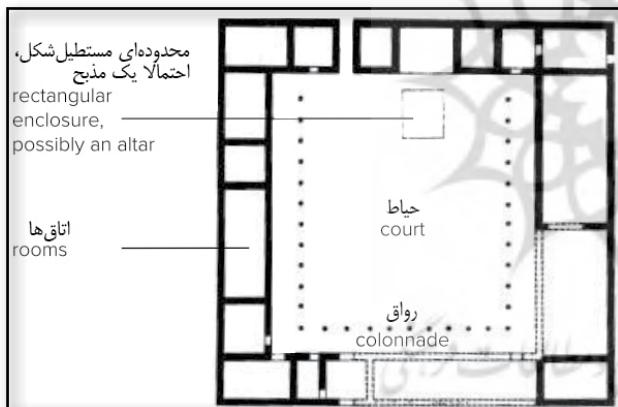
تصویر ۴. پلان کلی مارزابوتو که در آن، خیابان‌های اصلی و مستقیم‌الخط شهر انتظامی هندسی در مقیاس کلیت شهر ایجاد کرده‌اند. مأخذ: Smith, 2006, 83

دارند. محتوای این نقش‌ها عموماً به بازگویی زندگی پرنشاط، میهمانی‌ها و رقص‌های مردمان اتروسک پرداخته است که مشابهت موضوعی با نمونه‌های به‌دست‌آمدهٔ بعدی در پمپئی در دورهٔ روم باستان دارد.

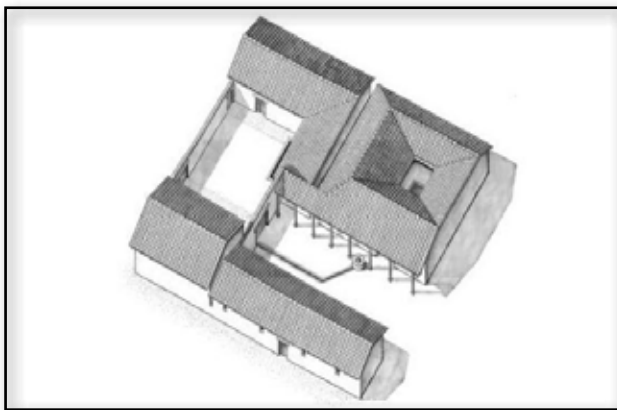
علاوه بر آن، در دیگر موضوعات فرهنگی و هنری نیز پیش‌تر به اثرگذاری فرهنگ اتروسک بر دوران بعد از آن اشاره شده است، چنانکه بعضی از صاحب‌نظران به تأثیرپذیری شگرف رومیان از هنر اتروسک‌ها اذعان دارند و بسیاری بر این باورند که شماری از دستاوردهایی که عموماً به تمدن روم نسبت داده می‌شود، منشأ اتروسکی دارد (Janson & Janson, 1962, 127). گاردنر بیان می‌کند: «هنر روم با آنکه در آغاز تحت تأثیر هنر اتروسک‌ها و هنر یونانی بود، ویژگی‌ها و صفات متمایزکنندهٔ خود را به دست آورد» (گاردنر، ۱۳۹۷، ۱۷۵-۱۷۶) یا دی‌امبرا آورده است: «همان‌طور که اتروسک‌ها تحت تأثیر فرهنگ‌های دیگر قرار داشتند، به نوبهٔ خود بر هنر رومی‌ها تأثیر نهادند و رومی‌ها بسیاری از جنبه‌های هنر اتروسکی را انجام دادند و آنها را یک گام جلو بردند» (D'Ambra, 1993, 14-19). ادلندبری نیز به تأثیر شگرف تمدن اتروسک بر هنر روم اشاره می‌کند: «اتروسک‌ها ساکنین دوران آرکائیک بخش مرکزی ایتالیا بودند که تأثیر به‌سزایی بر هنر رومیان داشتند که غیرقابل چشم‌پوشی است» (Edlund-Berry, 2006, 116). براون تأثیر اتروسک‌ها را فراتر از اثرگذاری بر تمدن روم دانسته و آنها را منشأ پیدایش جریانی اثرگذار بر تمدن‌های اروپایی می‌داند: «آنها [اتروسک‌ها] تأثیر عمیق و پایداری بر تمدن‌های غرب پس از اثرگذاری بر تمدن روم در سدهٔ پیش از

انتظام در تمدن اتروسک

اکنون باید دانست انتظام در اندیشه اتروسک که در شهرسازی، معماری و باغ‌سازی آنان تکرار شده، امری بنیادین و باورمند است یا امری فرعی یا تصادفی؟ مرور یافته‌های باستان‌شناسی از شهرهای اتروسکی و همچنین یافته‌های اخیر در مورد مذهب اتروسک‌ها و تبیین ارزش‌ها و باورهای این اقوام، نشان از انتظام به عنوان امری قدسی در فرهنگ اتروسک دارد. پژوهش‌ها از اهمیت آئینی خبر می‌دهند که اتروسک‌ها در هنگام برپا کردن شهرها با عمل شخم‌زدن زمین انجام می‌دادند و با هدف ایجاد خطوط مستقیم‌الخط و راست‌گوشه و منطبق بر جهات مقدس - جهاتی احتمالاً ذهنی یا منطبق بر ارزش‌گذاری‌های نجومی - صورت می‌گرفته است (تصویر ۹ و ۱۰). پژوهشگران معتقدند این عمل که با اعتقاد به حاصلخیزی اراضی سکونت‌ی اتروسک‌ها انجام شد، بر جهت‌گیری تمامی عرصه‌های زیستی ساکنان این شهرها اثرگذار است (Bell & Carpino, 2006, 93-94; Edlund-Berry, 2006, 118; Sassatelli & Govi, 2013, 285; Becker, 2013, 127; Magini, 2015, 356).



تصویر ۵. خانه‌ای در مورلو مربوط به قرن ۶ یا ۷ پیش از میلاد که پرستیلی وسیع با مجموعه‌ای اتاق دور آن وجود دارد. فارار با استناد به شواهد باستان‌شناسی معتقد است در مرکز این فضا درختانی سایه‌انداز وجود داشته است. مأخذ: www.vangogo.co



تصویر ۶. نمونه‌ای از خانه‌های مارزابوتو که دارای آتریوم و حوض مرکزی است. عموم خانه‌های مارزابوتو داری آتریوم هستند. مأخذ: Izzet, 2007, 156.

متقارن دارد و برخلاف حیاط‌های سنگ‌فرش یونانی به نظر می‌رسد در آن درختانی کاشته بوده‌اند (Farrar, 2016, 75-78). همچنین این نمونه تصور پیشین در مورد پرستیلی را، که فضایی اخذشده از فرهنگ یونانی پنداشته می‌شد، به چالش می‌کشد (تصویر ۵). مطابق با این نمونه، به نظر می‌رسد پرستیلی پیش از ورود از جانب یونانی‌ها در تمدن اتروسک وجود داشته و ممکن است از این طریق به باغ‌سازی یونانی منتقل شده باشد (Simelius, 2018). همچنین در نمونه‌های قرن ۶ پیش از میلاد آکواروسا (Acquaros-sa)، خانه‌هایی در کنار هم قرار گرفته‌اند و میان آنها حیاطی مشترک وجود دارد که به نظر می‌رسد به عنوان باغ محسوب می‌شده است (Rohner, 1996, 120-121). از طرفی غالب خانه‌های مارزابوتو (Marzabotto)، (تصویر ۶) نشان‌دهنده وجود کهن‌الگوی فضایی هستند که به دور فضایی مرکزی با حوض آب و گشودگی در سقف شکل گرفته‌اند. این الگو با نام آتریوم بعدتر در ویلاهای رومی تکرار شده است و به عنوان یکی از عناصر باغ‌سازی رومی شناخته می‌شود (Izzet, 2007, 156). علاوه بر آن، بررسی‌های باستان‌شناسانه تأکید دارند در حیاط‌های خانه‌های اتروسکی کاشت صورت می‌گرفته است و مردمان اتروسک در قوانین مذهبی خود، به کاشتن برخی از گیاهان نیز ترغیب شده‌اند (Macintosh Turfa, 2012, 155; De Grummond, 2013, 544). چنانکه بعدتر در باغ‌سازی رومی این حیاط‌های کاشت با نام هورتوس شناخته شدند. برخی از زبان‌شناسان و اسطوره‌شناسان واژه هورتوس (Hortus) را برگرفته از الهه اتروسکی هورتا (Horta)، الهه کاشت و باروری دانسته‌اند (Farrar, 2016, 70-76; Leland, 2015, 137). اگر باور پژوهشگرانی چون فارار، سیملیوس و رونن صحیح باشد و بتوان برای اتروسک‌ها باغ‌سازی تصور کرد، می‌توان براساس پی‌رنگ به‌جامانده از خانه‌های آنان، که شباهت فراوانی به پی‌رنگ خانه‌های رومی دارد، محتمل دانست که در فضاهای باز نیز دارای انتظامی مشابه بوده‌اند. چنانکه نمونه روسله (Roselle) نیز وجود خانه‌ای حیاط‌دار، به همراه آتریوم و حیاطی با ساختاری متقارن را تأیید می‌کند (تصویر ۷). همچنین پلان خانه‌ای در مارزابوتو نشان می‌دهد انتظام و تقارن محوری به صورت وسواس‌گونه‌ای در طرح پلان و خصوصاً حیاط - فضای باز - مجموعه دیده شده است (تصویر ۸). علاوه بر آن، وجود باغ، مستلزم آگاهی از نحوه مدیریت آب است، چنانکه باغ‌سازی رومی نیز از فنون مدیریت آب بهره می‌برد. جردن بانن با بیان شیوه‌های مدیریت آبی اتروسک‌ها، که توسط کانال‌های سنگی جریان‌های آب را در حدود قرن ۴ و ۵ پیش از میلاد کنترل می‌کردند و همچنین قوانینی برای مدیریت آب ایجاد کرده بودند، می‌نویسد: «اکثر زیرساخت‌های آبی اتروسک‌ها در دوره رومی‌ها تداوم یافت و به همین دلیل سکونت نیز در همین مناطق ادامه داده شد» (Bannon, 2009, 63).

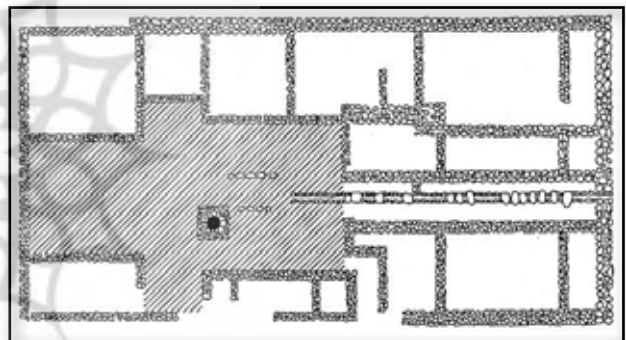
وجود جهت‌گیری مشخص در کلیت شهر مشهود است، این جهت‌گیری در اجزای این محدثات — مانند معابد — نیز به چشم می‌آید (Spivay, 2006, 144-148). همچنین به نظر می‌رسد ارزش‌گذاری در مناطق شهری براساس امری مقدس صورت می‌گرفته است و معابد در راستای محورهای اصلی قرار داشتند و انتظام محدثات — مانند منازل مسکونی و فضای باز متقارن آنها — نمودی از آئین‌ها و اندیشه‌های باستانی این مردمان است (Bell & Carpino, 2006, 93-94). علاوه بر آن، محدوده‌ها — شهر و اجزای درون آن — نیز که بعدها در روم باستان به عنوان محدوده مقدس یا پومریوم^۷ شناخته شد، خود تابعی از این نشانه‌گذاری آئینی است (Becker, 2013, 354). بنابراین، این انتظام در اجزای شهر، معماری فضاها و همچنین پی‌رنگ فضاهای باز نیز به چشم می‌خورد (تصاویر ۷ و ۸).

بحث

چنانکه دیدگاه‌های متعدد صاحب‌نظران نشان داد، انتظام در باغ‌سازی روم می‌تواند حاصل دلایل متعددی باشد که این پژوهش در راستای روشن‌گری موضوع، با بحث درباره دیدگاه‌های آورده‌شده و تشریح شیوه اتروسکی به صورت مبسوط، به مسئله می‌پردازد. همان‌طور که گفته شد، یکی از دلایلی که برای پیدایش انتظام در باغ‌سازی روم آورده شده است، تمایز جغرافیای خشن و سخت کوهستانی اراضی یونان — که امکان حفر و کاشت گیاهان را در آن به حداقل می‌رساند — و مقایسه آن با طبیعت سرزمین ایتالیا بود که در آن خاک حاصلخیز در دسترس است. از طرفی مشابه این موضوع ذکر شده است که زمین‌های سرزمین یونان بسیار پُرشیب است و زمین‌های مسطح — به جهت آبیاری — و وسیع برای ایجاد باغ درون شهرها وجود نداشته است. در مقابل باید بیان شود که هر دو این دلایل که ریشه در ویژگی‌های اقلیمی دارند، بیش از آنکه دلایلی برای پیدایش انتظام در باغ‌سازی رومی باشند، دلایلی برای توجیه عدم پیدایش انتظام در باغ‌سازی یونان هستند. چنانکه به طور مثال در باغ‌سازی ایران، نمونه‌هایی وجود دارد که به دلیل وجود ارزش‌های ذهنی، باغ حتی در بستر ناهموار، باز هم به صورت منظم و مستقیم‌الخط — با عنوان باغ‌تخت — به وجود آمده است. از طرفی یکی دیگر از توجیه‌هایی که برای شکل‌گیری انتظام هندسی در باغ‌سازی روم آورده شده، بیانگر آن است که این شیوه باغ‌سازی تحت تأثیر شیوه‌های مصری، ایرانی و غیره در سفرهای جنگ‌جوی رومی رخ داده است. این تأثیرات که در دوره یونان هلنیستی ایجاد شده است، همچنان می‌تواند به عنوان یک احتمال مطرح باشد. با این حال بررسی نظام شهرسازی رومی و همچنین ویلاها و نمونه‌های باغ‌سازی آن، نشان‌دهنده این است که شیوه رومی‌ها از قرن چهارم پیش از میلاد تا قرن دوم پس از میلاد — که مرادوات فرهنگی با دو کشور ایران و مصر صورت گرفته — تغییر محسوسی



تصویر ۷. عکس هوایی از شهر اتروسکی روسله. در سمت راست تصویر می‌توان نمونه‌ای متقارن از سکونتگاه‌های اتروسکی را مشاهده کرد که شباهت بسیاری به داموس در روم باستان دارد. پلان متقارن در فضای نیمه‌باز آتریوم و همچنین حیاط ستون‌دار — و همچنین حیاط سمت راست — بیانگر انتظام به همراه تقارن نسبی در اجزا و دانه‌های شهری اتروسکی است. مأخذ: www.flickr.com.



تصویر ۸. نمونه‌ای از پلان‌های خانه‌های مسکونی در مارزابوتو. در این خانه فضاهای سرپوشیده به صورتی چیده شده‌اند که حیاط در آن، شکلی متقارن و منظم یابد. مأخذ: Izzet, 2007, 156.

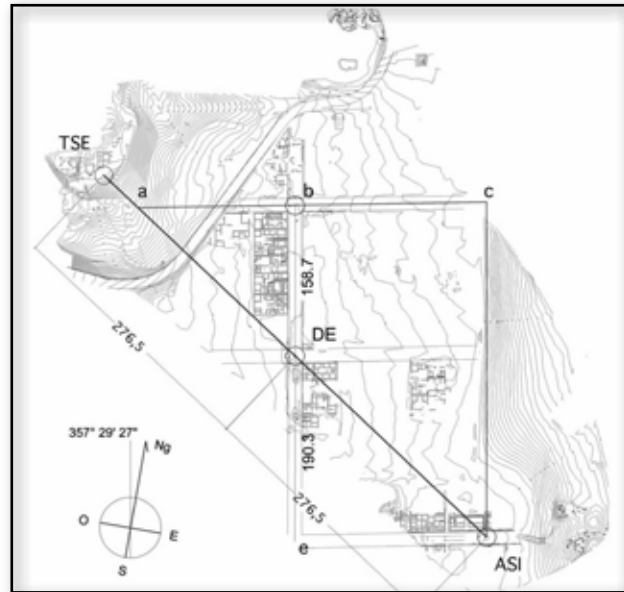
معتقدند: «اتروسک‌ها زمانی که با زمین‌های مسطح مواجه می‌شدند، طرحی را براساس نقشه‌های مهندسی پدید می‌آوردند و شهرهای نویناد خود را با شبکه منظمی از معابر متلاقی بر محل تقاطع دو خیابان اصلی برپا می‌ساختند. این دو خیابان به نام‌های کاردو (شمالی-جنوبی) و دکومانس (شرقی-غربی) شهر را به چهار محله یا ناحیه اصلی تقسیم می‌کرد و در موارد لزوم ممکن بود هر یک از محلات، توسعه یا تقسیمات بیشتر یابد» (Janson & Janson, 1962, 167-169). اشتینگربر نیز به وجود آمدن انتظام راست گوشه در شهرهای اتروسکی را اتفاقی نمی‌پندارد و آن را نشان از باور عمیق آئینی اهمیت جهت بیان می‌کند. وی معتقد است در تمدن اتروسکی جهت ساختار شبکه‌ای شهرها براساس ارزش‌گذاری ذهنی جهات اربعه و تطابق آن با جهات جهان ماورایی صورت می‌پذیرد و بر همین اساس ابتدا محل دروازه‌های شهر به صورت محورهایی اصلی در شهر به وجود می‌آمدند (Steingraber, 2008). همان‌طور که

آورده شد، نمی‌تواند الزاماً به طور قطع به پاسخ طراحی خطوط راست گوشه منجر شود.

در مقابل، یافته‌های پژوهش بیانگر امکان وجود شواهدی از اثرگذاری تمدن اتروسک بر بنیان‌های منظم ساختارهای رومی است. بسیاری از وجوه فرهنگی اتروسک به تمدن روم منتقل شده است، چنانکه پژوهش‌هایی نشان می‌دهد الگوهای شهری اتروسک بنیان بسیاری از شهرهای امروز ایتالیا هستند و رشد و توسعه نیز بر همان منطق صورت می‌گیرد. مقایسه الگوهای شهرهای روم باستان و آثار به‌جامانده از شهرهای اتروسکی نیز به انطباق آنان می‌انجامد و مقایسه این الگوها با بسیاری از شهرهای یونان باستان نیز که در این بازه ساخته شده‌اند - نک به پلان شهر المپیا و دلفی - بیانگر ساختارهای غیرمتشابه و انطباق‌ناپذیر میان آنها است (تصاویر ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۴). از طرفی تقید باورمند اتروسک‌ها به انتظام که ریشه در آئین‌ها و باورهای عمیقشان از ساماندهی انتزاعی دارد، موجب شکل‌گیری انتظام در کل (شهر) و اجزاء (دانه‌ها) شده است (تصویر ۳ و ۴). این نظم نه حاصل تصادف و از روی اجبار، بلکه حاصل تفکر و تأمل در شیوه نگرش این قوم به نظام هستی است. برخلاف آن، به نظر می‌رسد انتظام (در دوران هلنیستی) یا عدم انتظام (در دوران کهن و کلاسیک) در یونان به عنوان امری قدسی پنداشته نمی‌شده است، چنانکه در منظره‌سازی‌هایی که در مقیاس کوچک‌تر و در فضاهای محدودتر در این منطقه انجام شده - برای مثال طرح کاشت ابتدایی حاشیه برخی معابد آکروپولیس - انتظام‌هایی جزئی وجود دارد که نشان از عدم تقید باورمند منظره‌پردازان یونانی به مقوله نظم یا بی‌نظمی دارد. علاوه بر آن، باغ‌های یونان در سبک و تداومشان دارای انسجام لازم برای آنکه سبک باغ‌سازی نامیده شوند، نیستند. در مقابل چنانکه بیان شد، پژوهش‌های اخیر احتمال وجود باغ‌سازی اتروسک را تأیید کرده‌اند و فضاهایی چون هورتوس، پریستیل و آتریوم که از اجزای شاخص باغ‌سازی رومی است، در این نمونه‌ها، هرچند به صورت ابتدایی، تکرار شده است.

نتیجه‌گیری

اندیشه یونان باستان، بر بسیاری از وجوه فرهنگی تمدن روم باستان تأثیر گذاشته است. با این حال شیوه باغ‌سازی رومی به عنوان یکی از بارزترین سبک‌های تاریخ باغ‌سازی، از انتظام ساختاری شیوه یونانی تبعیت نمی‌کند. باغ‌سازی رومی بر خلاف نمونه‌های یونانی آن، که فاقد انتظام هندسی بوده، دارای نظامی شبکه‌ای و محوری است. تاکنون فرضیات متعددی که بر جنبه‌های اقلیمی، سیاسی و... اشاره داشتند، برای توجیه انتظام شیوه رومی مطرح شده‌اند؛ برخی با مقایسه نظام سیاسی-امنیتی روم و یونان، به تفاوت شکل توزیع قدرت در نظام دموکراتیک یونان و امپراتوری روم پرداخته‌اند؛ برخی نیز با اشاره به تفاوت ویژگی‌های اقلیمی دو کشور، تمایز دو شیوه



تصویر ۹. این تصویر بیانگر هندسه حرکت خورشید در انقلابین و شکل‌گیری الگوی هندسی است که بر اساس آن حد توسعه شهر اتروسکی مارزابوتو تعیین شده است. مأخذ: Gottarelli, 2010, 63.

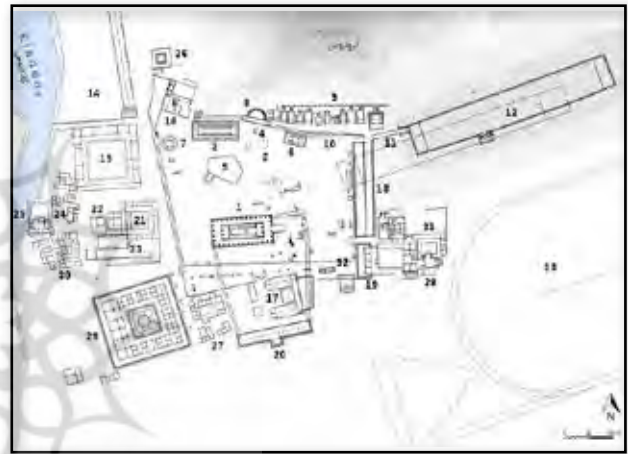
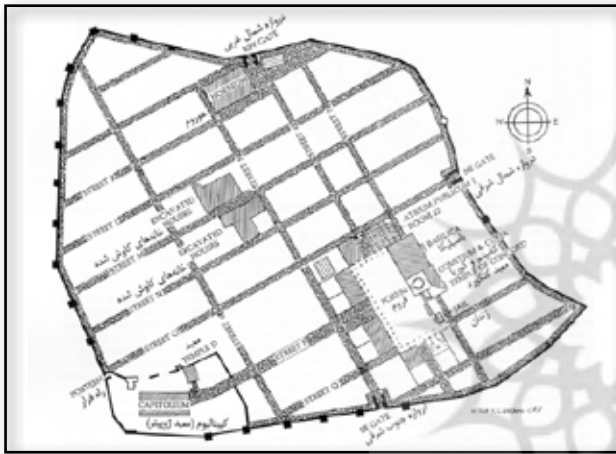


تصویر ۱۰. مجسمه برنزی روحانی و گاو نر کشف‌شده در ارزو متعلق به قرن ۵ پیش از میلاد. ادلند بری از فرانتینوس رومی نقل می‌کند که محدوده‌های منظم، بخشی از آئین اتروسکی بوده است که در هنگام بنانهادن شهرها توسط روحانی با توجه به جهات مقدس بر زمین معین می‌شد. مأخذ: Edlund-Berry, 2006, 117.

نکرده است و وجود تشابه میان ساختارهای اتروسکی و شهرهای رومی همان‌طور که در پژوهش بینی و همکاران آورده شد (Bini et al., 2015, 209)، شاید در این امکان، تردیدهایی به وجود آورد. اگرچه ممکن است این ارتباط‌های فرهنگی منجر به فراگرفتن برخی از اجزا توسط رومیان از این کشورها شده باشد، ولی باید توجه داشت مقایسه ساختار شهرهای روم باستان از شهر کوزا (Cosa) که بیش از سه قرن پیش از میلاد بنا نهاده شد، تا شهر متأخر ولوبیلیس (Volubilis) در مراکش، که تقریباً هم‌زمان با نزاع ایران و روم ساخته شد، بیانگر آن است که همگی از الگوی واحد شبکه‌ای تبعیت می‌کنند. علاوه بر آن، بحث‌هایی که مبتنی بر تفاوت در نظام سیاسی یونان و روم است هم در نهایت می‌تواند عدم پیدایش انتظام در باغ‌سازی یونان را توجیه کند و چنانکه

چون پرستیل، هورتوس و آتریوم نیز دارای اشتراک و مطابقت فراوان است. بنابراین به نظر می‌رسد بتوان این چنین فرض کرد که میل به انتظام در باغ‌سازی رومی، محصول نگرش قدسی اتروسک‌ها به انتظام‌محوری است. این نگرش با آئین و مناسکی در ایجاد نظامی شبکه‌ای در شهر و با جهت‌گیری مشخص در کلیت و اجزای محدثات — از شهر تا معماری و باغ‌سازی — همراه شده است. اگرچه موضوع فوق به دلیل کمبود مستندات باستان‌شناختی و نمونه‌های مکرر و بیشتر، اکنون قابل اثبات نیست^{۱۱}، ولی می‌تواند به عنوان پرسشی جدی در مورد ارتباط انتظام هندسی باغ‌سازی رومی با تمدن اتروسک به عنوان امکانی جدید مورد پژوهش‌های آتی قرار گیرد.

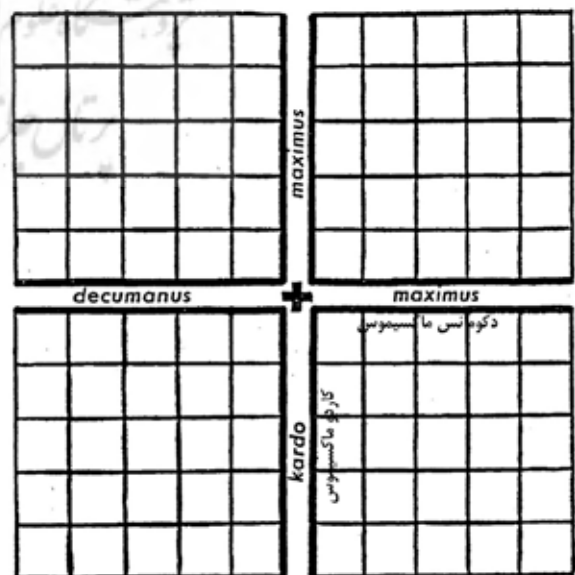
را به آن نسبت داده‌اند و بعضی دیگر، دلیل گرایش رومیان به انتظام را در پی نزاع با شرق و آشناسدن با سبک‌های دیگر باغ‌سازی می‌دانند. این فرضیات در این پژوهش مورد بحث قرار گرفتند و به نظر نمی‌رسد بتوانند به تمام جنبه‌های موضوع پاسخ دهند. همچنین پژوهش‌های اخیر بر تبعیت ساختار و انتظام شهرهای رومی از شهرهای اتروسکی تأکید دارند و مقایسه بقایای شهرهای روم باستان و شهرهای اتروسکی، نشان از انطباق انتظام شبکه‌ای این دو و افتراق ساختاری میان الگوی شهری روم و یونان دارد. علاوه بر آن، با پژوهش‌هایی که در سال‌های اخیر درباره باغ‌سازی اتروسکی صورت گرفته است، به نظر می‌رسد این شیوه با باغ‌سازی رومی در فضاهایی



تصویر ۱۱ و ۱۲. مقایسه انتظام المپیا در یونان باستان (سمت راست) و کوزا در روم باستان (چپ)، بیانگر تفاوت بنیادین ساماندهی کلی شهر است. همچنین نشان می‌دهد ساختار شبکه‌ای که در آن در برخی از محورها به عنوان خیابان اصلی تأکید شده است، شباهت فراوانی با نظم‌بخشی در نمونه شهرهای اتروسکی دارد. مأخذ: (به ترتیب از راست به چپ) www.romanaqueducts.info و www.commonswiki.org.



تصویر ۱۴. بخش باستانی شهر تورین که ساختار اتروسکی خود را حفظ کرده است. مأخذ: Sparavigna, 2014, 443.



تصویر ۱۳. طرح کلی شهرهای اتروسکی که به صورت منظم و شبکه‌ای با تقاطع دو خیابان اصلی کاردو و دکومانس به وجود می‌آمد. مأخذ: www.quadriform.isratio.wordpress.com.

پی‌نوشت‌ها

Noti, V., Capitani, M., Fabiani F. & Gualandi, M. L. (2015). Palaeoenvironments and palaeotopography of a multilayered city during the Etruscan and Roman periods: early interaction of fluvial processes and urban growth at Pisa (Tuscany, Italy). *Journal of Archaeological Science*, (59), 197-210.

• Bowe, P. (2004). *Gardens of the Roman World*. Oxford: Oxford University Press.

• Bowe, P. (2010). The evolution of the ancient Greek garden. *Studies in the History of Gardens & Designed Landscapes*, 30(3), 208-223.

• Brown, D. (1995). *Etruscans: Italy's Lovers of Life (Lost Civilizations)*. Virginia: Time Life Book.

• Bule, S. (1996). Etruscan Echoes in Italian Renaissance Art. In J. F. Hall (Ed.), *Etruscan Italy: Etruscan Influences on the Civilizations of Italy from Antiquity to the Modern Era*. Utah: Brigham Young University.

• Carroll-Spillecke, M. (1992). The Gardens of Greece from Homeric to Roman Times. *The Journal of Garden History*, 12(2), 84-101.

• Conan, M. (1986). Nature into art: gardens and landscapes in the everyday life of Ancient Rome. *The Journal of Garden History*, 6(4), 348-356.

• D'Ambra, E. (1993). *Roman art in context: An anthology*. London: Pearson.

• De Grummond, N. T. (2013). Haruspicy and augury: Sources and procedures. In J. MacIntosh Turfa (Ed.), *The Etruscan world*. London & New York: Routledge.

• Dupuy, T. (1993). *The Harper Encyclopedia of Military History*. New York: HarperCollins.

• Edlund-Berry, I. (2006). Ritual Space and Boundaries in Etruscan Religion. In N. Thomson, de Grummond & E. Simon (Eds.), *The religion of the Etruscans*. Texas: University of Texas Press.

• Farrar, L. (2016). *Gardens and Gardeners of the Ancient World: History, Myth and Archaeology*. UK: Windgather Press.

• Ferriolo, M. V. (2012). Homer's Garden. *The Journal of Garden History*, 9(2), 86-94.

• Gottarelli, A. (2010). *Templum solare e culti di fondazione*. Marzabotto, Roma, Este: appunti per una aritmo-geometria del rito (IV). *Ocnus*, (18), 53-74.

• Holmstorm, J. (2015). *Etrusca Tuscana: The Reception of Etruscan Civilisation in the Italian Renaissance*. Canberra: Australian National University Press. Retrieved from https://www.researchgate.net/profile/Joel_Holmstrom.

• Huxley, A. J. (1978). *An Illustrated History of Gardening*. Lyons: Lyons Press.

• Izzet, V. (2007). *The Archaeology of Etruscan Society*. Cambridge: Cambridge University Press.

• Janson, H. W. & Janson, A. (1962). *A short history of art*. New

۱. داموس‌ها نمونه‌ای از خانه‌های رومی بودند که شامل اتاق‌هایی به شکل یک آتریوم و همچنین فضاهایی دور یک حیاط می‌شدند. این حیاط باغچه‌دار اگر دارای فضاهای کاشت فراوان باشد، هورتوس و اگر رواقی به دور حیاط حرکت کند پرستیل نامیده می‌شود.

۲. توپیری از واژه‌هایی با ریشه لاتین — و نه یونانی — است که نشان از استقلال ریشه باغ‌سازی رومی از یونانی دارد.

۳. پژوهشگران، از این دوره‌ها با عناوین متفاوتی یاد کرده‌اند. کارول اشپیلکه (Carroll-Spillecke, 1992) و ترنر (1۳۹۵) دوره‌های باغ‌سازی یونانی باستان را دوره هومری، دوره کلاسیک و دوره هلنستی نام گذاشته‌اند. با این حال پاتریک بووی در مقاله‌ای با عنوان «تحولات باغ‌سازی یونان باستان»، این سه دوره را با نام‌های دوره کهن، دوره کلاسیک و دوره هلنستی مورد بررسی قرار داده است (Bowe, 2010).

۴. تامسون و گریزولد در کتاب «عشق به باغ‌سازی در آتن باستان» در شرحی همراه با تصاویر بیان می‌کند که یونانی‌ها برای ایجاد سبزی‌نگی اطراف معبد هفایستوس مجبور به تراشیدن زمین صخره‌ای و حفر چاله‌هایی برای قراردادن گلدان‌های سفالین و کاشت گیاه درون آن بودند. فن کاشت‌های منظم گلدانی مربوط به دوره هلنستی یونان است و می‌توان تصور کرد در برخورد با شرق به دست آمده است (Thompson & Griswold, 1986, 10).

۵. دولت‌شهر یا شهر-کشور (City-state) دولتی است که فقط در یک شهر و مناطق اطراف آن شهر حاکم است. دولت‌شهرها مستقل بودند و عموماً برای حفظ امنیت و تمامیت ارضی توسط دیوار و بارو محصور شده بودند. اگرچه دولت‌شهرهای مهم در یونان پدید آمده، اما به اعتقاد مورخان اولین دولت‌شهرها در تمدن میان‌رودان به وجود آمده‌اند.

۶. شواهدی از قواعد مذهبی مشخص نزد اتروسک‌ها وجود دارد که تحت عنوان *Disciplina Etrusca* شناخته می‌شود که در آن به موضوعاتی چون اهمیت آئینی جهت اربعه و ایجاد خطوط مستقیم‌الخط بر زمین به منظور ایجاد شهرهای اتروسکی اشاره شده است.

۷. پومریوم (Pomerium) محدوده‌ای مقدس به دور شهر رم و دیگر شهرهای روم باستان است که گاه توسط دیوار و گاه دروازه تعریف می‌شد. این مفهوم مذهبی که همراه با ارزش‌گذاری‌هایی ذهنی صورت می‌گرفت، با تمایز آنچه درون است و هر آنچه بیرون است همراه می‌شد. به طوری که به لحاظ قانونی، رم تنها در داخل آن پومریوم وجود داشت و هر چیز ورای آن فقط سرزمینی متعلق به رم بود.

۸. اگرچه داده‌هایی در مورد باغ‌های درون‌شهری اتروسکی آورده شده است، ولی همچنان اطلاعات دقیقی از وجود و چگونگی باغ‌های برون‌شهری در دست نیست.

فهرست منابع

• ترنر، تام. (۱۳۹۵). *تاریخ باغ‌سازی* (ترجمه حمیدرضا عظمتی و محسن فیضی). تهران: دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی.

• گاردنر، هلن. (۱۳۹۷). *هنر در گذر زمان* (ترجمه محمدتقی فرامرزی). تهران: نگاه.

• ناردو، دان. (۱۳۹۶). *جمهوری روم* (ترجمه سهیل سمی). تهران: ققنوس.

• Bannon, C. J. (2009). *Gardens and Neighbors: Private Water Rights in Roman Italy*. Ann Arbor: The University of Michigan Press Publication.

• Bartoloni, G. & Bocci Pacini, P. (2003). The Importance of Etruscan Antiquity in the Tuscan Renaissance. In J. Fejfer, T. Fischer-Hansen & A. Rathje (Eds.), *The Rediscovery of Antiquity: The Role of the Artist*. Copenhagen: Museum Tusculanum Press.

• Becker, H. (2013). Political systems and law. In J. Macintosh Turfa (Ed.), *The Etruscan World*. London & New York: Routledge.

• Bell, S. & Carpino, A. (2006). *A Companion to the Etruscans*. Oxford: Wiley Blackwell Press.

• Bergman, B. (1995). Greek masterpieces and Roman recreative fictions. *HSCP*, (97), 79-120.

• Bini, M., Rossi, V., Amorosi, A., Pappalardo, M., Sarti, G.,

York: Prentice Hall.

- Jashemski, W. F. (2017). Produce Gardens. In W. F. Jashemski, K. L. Gleason, K. J. Hartswick & A. Malek (Eds.), *Gardens of the Roman Empire*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Jones, F. M. A. (2014). Roman gardens, imagination, and cognitive structure. *Mnemosyne*, 67(5), 781-812.
- Kane, T. (1998). *Garden paintings in Pompeii: context and meaning*. Hamilton: McMaster University.
- Kuttner, A. (1999). Looking outside inside: ancient Roman garden rooms. *Studies in the History of Gardens & Designed Landscapes*, 19(1), 7-35.
- Leland, C. (2015). *Etruscan Roman Remains*. New York: Scholar's Choice.
- Littlewood A. R. (1979). Romantic Paradises: The Role of the Garden in the Byzantine Romance. *Byzantine and Modern Greek Studies*, 5(1), 95-114.
- Littlewood A. R. (1992a). A colloquium on gardens of the ancient Mediterranean. *The Journal of Garden History*, 12(2), 83.
- Littlewood, A. R. (1992b). Gardens of Byzantium. *The Journal of Garden History*, 12(2), 126-153.
- Littlewood, A. R. (2002). The Scholarship of Byzantine Gardens. In A. R. Littlewood, H. Maguire, J. & Wolschke-Bulmahn (Eds.), *Byzantine garden culture*. Washington D.C.: Dumbarton oaks research library and collection.
- Mac Dougall, E. (1999). Prelude: Landscape Studies, 1952-1972. In M. Conan (Ed.), *Perspectives on garden histories*. Washington, D.C: Dumbarton Oaks Research Library and Collection.
- Macaulay Lewis, E. (2006). The role of ollae perforatae in understanding horticulture, planting techniques, garden design, and plant trade in the Roman World. *First Conference on Crop Fields and Gardens Archaeology*, Barcelona: University of Barcelona.
- Macintosh Turfa, J. (2012). *Divining the Etruscan World*. Cambridge: Cambridge University Press.

- Magini, L. (2015). *Stars, myths and rituals in Etruscan Rome*. Cham: Springer.
- Rohner, D. D. (1996). Etruscan domestic architecture. In Hall, J. F. (Ed.), *Etruscan Italy: Etruscan Influences on the Civilizations of Italy from Antiquity to the Modern Era*. Utah: Brigham Young University.
- Sassatelli, G. & Govi, E. (2013). Etruria on the Po and the Adriatic. In J. Macintosh Turfa (Ed.), *The Etruscan World*. Abingdon, Oxon: Routledge.
- Simelius, S. (2018). *Pompeian peristyle gardens as a means of socioeconomic representation*. Retrieved from <https://helda.helsinki.fi/handle/10138/238264>
- Smith, C. (2006). The beginning of urbanization in Rome. In R. Osborne & C. Barry (Eds.), *Mediterranean Urbanization 800-600 BC*. London: Oxford University Press.
- Sparavigna, A. C. (2014). Solstices at the Hardknott Roman Fort, *Philica*, (12). Retrieved from <https://ssrn.com/abstract=2745184>
- Spivay, N. (2006). *Etruscan Art*. London: Thames & Hudson.
- Steingraber, S. (2008). The Process of Urbanization of Etruscan Settlements from the Late Villanovan to the Late Archaic Period (End of the Eighth to the Beginning of the Fifth Century B.C.): Presentation of a Project and Preliminary Results. *Etruscan Studies*, (8), 7-33.
- Thompson, D. E. Griswold, R. E. (1986). *Garden lore of ancient Athens*. New Jersey: Princeton University Press.
- Torelli, M. (2001). *The Etruscans*. New York: Rizzoli.
- Vernesi, C., Caramelli, D., Dupanloup, I., Bertorelle, G., Lari, M., Cappellini, E., Moggi-Cecchi, J., Chiarelli, B., Castri, L., Casoli, A., Mallegni, F., Lalueza-Fox, C. & Barbujani, G. (2004). The Etruscans: A Population-Genetic Study. *Am. J. Hum. Genet.*, (74), 694-704.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

همتی، مرتضی؛ بهرامی، فرشاد و متدین، حشمت‌الله. (۱۳۹۸). تمدن اتروسک؛ منشأ پیدایش «انتظام هندسی» در باغ‌سازی روم باستان. *باغ نظر*, ۱۶(۷۶)، ۶۹-۸۰.

DOI: 10.22034/bagh.2019.173112.4008
http://www.bagh-sj.com/article_93526_en.html

